

به بهانه درگذشت نازک الملائکه، بنیانگذار شعر آزاد عرب عاشق شب و کودکی

علی علیمحمدی*



تمام شرایط برای ظهور شاعره‌ای مهیا شد که بعدها از بنیانگذاران و به اعتقاد برخی اولین شاعری شد که زنجیر عروض کلاسیک را درهم شکسته و در عروض آزاد شعر سرود. صبیحه شیر، نویسنده عراقی در مقاله «نازک الملائکه: عاشق شب و کودکی» می‌نویسد: «از کودکی عاشق موسیقی بود و در همین دوران به یادگیری نواختن ساز عود مشغول شد و توانست به‌واسطه شناخت عمیقش از نواهای موسیقی، احساس ظریف و دقیقی نسبت به هارمونی و موسیقی کلمه بدست آورد و این شناخت بزرگ، تأثیر بسزایی در اشعار وی، چه سروده‌هایش در جوانی و چه سروده‌هایش در دوران درخشان زندگی‌اش که معرفت کسب نموده و ثمره تجربه‌اش را درو کرده بود، گذاشت».

نازک کودکی گندمگون، لاغراندام، با چشم و گیسوی مشکین و از همان اوان کودکی، فردی جدی، باوقار، علاقه‌مند به مطالعه

نازک الملائکه، شاعره عراقی حیات شعری خود را با شعر بلند «مرگ و انسان» آغاز کرد، شعری که کوشید در آن، صورت شعری محتوم بودن رویارویی انسان با مرگ را به تصویر بکشد و اکنون خود با همان مسئله «مرگ و انسان» روبه‌روست. اما این بار در واقع به سر می‌برد و نه در شعر، و بیرون از سرزمین اشغال‌شده‌اش. این شاعره برجسته در سن ۸۵ سالگی و پس از دست و پنجه نرم کردن با بیماری صعب‌العلاج سرطان، عصر چهارشنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ / ۳۱ خرداد ۱۳۸۶ در قاهره درگذشت. نازک الملائکه در خانواده فرهیخته و ادیب شیعی در سال ۱۹۲۳/م ۱۳۴۱ق در عراق به دنیا آمد. پدرش به شعر و زبان عربی عشق می‌ورزید و مادرش سلمی عبدالرزاق شیفته شعر عاشقانه بود و دفتر شعری با عنوان انشودة المجد (سرود سرافرازی) از او به طبع رسیده است.^۱ وی در چنین خانواده‌ای پرورش یافت و

زبان شعری «نازک»، زبانی بسیار روشن و دقیق و به‌خصوص از لحاظ رعایت مسائل فنی زبان شعر، با قدری محافظه‌کاری ادیبانه و استادانه همراه است. فضای شعر او را همان فضای شعرهای رمانتیک‌ها تشکیل می‌دهد: در جست‌وجوی چیزهای نایافته و دوردست و با همان حالات عاشقانه رمانتیک‌ها

شود و همین مسئله بعدها از عوامل تأثیرگذار در شعرش شد. نازک پس از بازگشت از آمریکا در سال ۱۹۵۷ در دانشکده تربیت معلم بغداد به تدریس مشغول شد، اما برای اقامت دو ساله (۱۹۵۹ - ۱۹۶۰) در بیروت، عراق را ترک کرد. پس از آن برای بار سوم به عراق بازگشت و در دانشگاه بصره و موصل، مدرس زبان و ادبیات عرب شد. این شاعره فقیه عراقی سپس برای تدریس به دانشگاه کویت رفت. نازک از ۱۹۹۰ تا زمان مرگش در قاهره در عزلت به سر برد.

نازک در حوزه شعر صاحب مجموعه اشعار متعددی است که عبارتند از: عاشقة اللیل: بانوی عاشق شب (۱۹۴۷)، شظایا و رماد: شراره‌ها و خاکستر (۱۹۴۹)، مأساة الحیاة و اغنیة الانسان: سوگنامه زندگی و ترانه‌ای برای انسان (۱۹۷۰)، قرار الموجهة: ژرفگاه موج (۱۹۵۷)، شجرة القمر: درخت ماه (۱۹۶۸)، للصلاة و الثورة: برای نماز و انقلاب (۱۹۷۸)، یغیر الوانه البحر: دریا رنگ‌هایش را عوض می‌کند، الوردة الحمراء: یک گل سرخ. وی در حوزه نقد و نظریه‌پردازی شعر نیز صاحب آثاری چون: قضایا الشعر المعاصر: مسائل شعر معاصر (۱۹۶۲)، سیکولوجیة الشعر: روان‌شناسی شعر، صومعه و الشرفة الحمراء: صومعه و مهتابی سرخ‌فام (۱۹۶۵) است. وی در جامعه‌شناسی نیز کتابی با عنوان التجزیة فی المجتمع العربی: جزئی‌نگری در جامعه عرب (۱۹۷۴) نوشته است.

نازک از حیث اندیشه سیاسی ناسیونالیست مشرب بود و از نظر شعر رمانتیسیست به شمار می‌آمد. وی علاوه بر شاعری، در زمینه نقد شعر نیز به‌ویژه در شناخت و سنجش اوزان عروضی صاحب‌نظر و ریشه‌یابی اجتماعی او در بررسی شعر آزاد زبانزد است.

نازک الملائکه درباره این‌که چه کسی در سرودن شعر آزاد متقدم بوده با بدر شاکر السیاب به رقابت پرداخت؛ هریک از آنها مدعی بودند که در شکستن عروض کلاسیک و سرودن شعر آزاد بر دیگری تقدم داشته است. نازک در این باره می‌گوید: «آغاز جنبش شعر آزاد در سال ۱۹۴۷ و از عراق و بلکه از خود بغداد بود. این جنبش چنان توسعه یافت که تمام جهان عرب را فراگرفت». به نظر می‌رسد که نازک الملائکه در بیان این دیدگاه خود هیجان‌زده و متعصبانه عمل کرده است، چراکه پس



و بسیار شکیبا بود. دختری منزوی و خجالتی که نشانه‌های رومانسیسم، خیال‌پردازی و شاعرانگی در کلاس چهارم به وضوح در او آشکار گردید، و این خبر به‌زودی در شهر پیچید. نازک در آن لحظه سرنوشت‌ساز که خواست شعر زیبایش را در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، بخواند، خجالت امانش نداد و فرار کرد.

وی پس از آموزش متوسطه، در رشته ادبیات عرب در دانشسرای عالی بغداد به تحصیل مشغول شد و پس از اتمام تحصیلات خود در این مقطع، برای ادامه تحصیل راهی ایالات متحده آمریکا شد و در رشته زبان انگلیسی و ادبیات تطبیقی، در دانشگاه پرینستون درس خواند. سپس در ۱۹۵۴ از طریق بورس دانشجویی، همراه دانشجویان عراقی، در رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه ویسکونسین به تحصیل و مطالعه پرداخت. دوران تحصیل وی در آمریکا موجب شد که وی با ادبیات جهانی آشنا

«نازک» از حیث اندیشه سیاسی ناسیونالیست مشرب بود و از نظر شعر رمانتیسیست به شمار می‌آید. وی علاوه بر شاعری، در زمینه نقد شعر نیز به‌ویژه در شناخت و سنجش اوزان عروضی صاحب‌نظر بود و ریشه‌یابی اجتماعی او در بررسی شعر آزاد زبانزد است

برخورد سه نوع تمدن در وجود او باشد: مجاورت با ایران و هند - که از لحاظ فرهنگ و امثال و خرافات عامه تأثیر چشم‌گیری دارند - و تأثیر شعرای رمانتیک انگلیسی.

نازک‌الملائکه در متون شعری خود بر آن بوده تا از رازها و اسرار واقعی‌ای پرده بردارد که به‌مرور و در گذر زمان به وقوع خواهد پیوست. به‌ویژه در شاهکارهایی همانند «من»، «سوگنامه زندگی»، «بانوی عاشق شب»، «وبا»، «مرثیه روز پوچ»، «سرود آشتی»، «نماز اشباح»، «بیگانگان» و اشعار دیگر که ترجمان شرایط بحرانی و حوادث فاجعه‌آمیز و سخت جامعه است. فاروق شوشه، منتقد و شاعر مصری می‌گوید: «در آن جسم نحیف و جثه کوچک نازک، شور و حالی هست که آرام نمی‌گیرد و شعله‌ای روشن است که خاموش نمی‌شود. این شور و حال و شعله، حقیقت شعری او را برای من کشف کرده‌اند که چگونه در واقعیت شعرش زندگی می‌کند و از آن جدایی‌ناپذیر است. در شعر او میان انسان و شاعر مرزی نیست. او، شاعر پریشانی، پویایی، سرکشی و تمرد و عقل جوشان تردیده‌ها، دلمشغولی‌ها و پرسش‌هاست.»

نازک در شعر «آنا» می‌گوید: «اللیل یسأل من أنا/ أنا سره القلق العمیق الأسود/ أنا صمته المتمدن/ قنعت کنهی بالسکون/ و لففت قلبی بالظنون/ و بقیت ساهمة هنا/ ارنو و تسألنی القرون/ أنا من أکون؟/ و الريح تسأل من أنا/ أنا روحها الحیران انکرنی الزمان/ أنا مثلها فی لامکان/ نبقی نسیر و لا انتهاء/ نبقی نمر و لا بقاء/ فاذا بلغنا المنحنی/ خلنا خاتمة الشقاء/ فاذا فضاء!...»^۳ (شب می‌پرسد که کیستم من/ راز اویم، سیاه و مضطرب و ژرف/ سکوت سرکش اویم/ کنه خویش را در نقاب خاموشی نهفته‌ام/ و قلب خود را در گمان‌ها پیچیده‌ام./ و اینجا با وقار ایستاده‌ام/ نگاه دوخته‌ام، قرون از من می‌پرسند که من کیستم./ باد می‌پرسد که کیستم من/ روح سرگشته اویم که زمان به انکار من برخاسته است/ من همانند او در لامکانم/ می‌مانیم و می‌رویم و پایانی نیست/ می‌مانیم و می‌گذریم و بقایی نیست/ وقتی به خم راه رسیدیم/ چنان می‌پنداریم که به پایان رنج رسیده‌ایم و آنگاه به تهی رسیده‌ایم...).

حزن و غم، جزئی از ذات شعری نازک است و این مسئله حتی از عناوین دفترهای شعر او نیز پیداست. در نخستین مجموعه اشعار او، بانوی عاشق شب، درونمایه‌ای از حزن عمیق

از آن دیری نپایید که به برخی از اشتباهاتش در این باره پی برد. او در مقدمه چاپ پنجم کتاب «مسائل شعر عرب» دیدگاهش را در این زمینه اصلاح کرده و نوشته بود که این کتابم در سال ۱۹۶۲ منتشر شد و در آن نظر داده بودم که شعر آزاد از عراق طلوع کرده و به کشورهای جهان عرب گسترش یافته است، در حالی که روزی که این نظر را بیان کردم، نمی‌دانستم که شعر آزادی پیش از سال ۱۹۴۷ در جهان عرب سروده شده است. پس از آن با دیدن و خواندن اشعار آزاد اندک‌شماری که در مجلات ادبی و کتاب‌ها از ۱۹۳۲ منتشر شده بود، غافلگیر شدم. البته این مسئله را از طریق نوشته‌های پژوهشگران و مفسران شعر عربی متوجه شدم؛ زیرا من هنوز در آن زمان آن اشعار را در منابعشان نخوانده بودم.

دکتر شفیعی کدکنی در کتاب شعر معاصر عرب، درباره شعر نازک معتقد است که شعر او، شعری رقیق و تا حد زیادی رمانتیک است. آن درستی و برندگی که در شعر بدر شاکر السیاب و عبدالوهاب البیاتی دیده می‌شود، در شعر او وجود ندارد. شعرش، روشن و دور از هرگونه غموضی است... و از این لحاظ، برخلاف ادونیس و خلیل الحاوی است که رمز و اسطوره در شعرشان ذهن را به هر سوی می‌برد. زبان شعری نازک، زبانی بسیار روشن و دقیق و به‌خصوص از لحاظ رعایت مسائل فنی زبان شعر، با قدری محافظه‌کاری ادیبانه و استادانه همراه است. فضای شعر او را همان فضای شعرهای رمانتیک‌ها تشکیل می‌دهد: در جست‌وجوی چیزهای نایافته و دوردست و با همان حالات عاشقانه رمانتیک‌ها.

وی درباره عوامل تأثیرگذار در شعر نازک بر این باور است که علاوه بر پرورش تقریباً بورژوازی و روح زنانه، عامل دیگری هم در تقویت این روح رمانتیک تأثیر داشته و آن شیفتگی شاعره به آثار رمانتیک‌های انگلیسی از قبیل شلی و کیتس است که نه تنها تأثیر آنها را پذیرفته بلکه بسیاری از شعرهای آنان را ترجمه شعری کرده است.

دکتر شفیعی کدکنی در این باره به نقد خالده سعید، همسر ادونیس بر اشعار نازک‌الملائکه نیز رجوع کرده است، وی درباره شعر نازک اعتقاد دارد که او شاعری کاملاً مستقل است و شعرش خصایص ویژه او را داراست ... و شاید منشأ این امر تا حدی

«نازک» بعد از گسترش امواج شعر نو، بر این باور بود که مسیر شعر نو دچار انحراف شده، بدین دلیل تردیدی در هشدار و اخطار دادن نسبت به مسیر شعر آزاد، به خود راه نداد. شاید از همین رو بود که به‌رغم آثار پربارش در شعر، در اوایل دههٔ هفتاد از شعرگفتن دست شست و به نوشتن در مسائل سیاسی روی آورد

قرار داده است. نازک الملائکه بدین جهت به عقب‌نشینی از آرای گذشتهٔ خود در ضرورت مدرنیسم و دگرگون‌سازی شعر متهم شد. برخی از پژوهشگران و علاقه‌مندان شعر عرب کوشیدند به این ادعا و پرسش پاسخ دهند؛ گروهی از آنان معتقد بودند که نازک الملائکه از اندیشه و آرای خود بازنگشته، بلکه با دیدن این مسئله که برخی از مدعیان عرصهٔ شعر، آسمان شعر عرب را مخدوش و آلوده کرده‌اند، صحنهٔ شعر عربی را ترک کرده است. اما موسی اسوار مترجم و ایراستار، در این باره معتقد است. «وی ... در عین نوباوری، به سنت‌های شعری اهمیت می‌داد و پس از بنیانگذاری شعر آزاد، هیچیک از تحولات بعدی شعر امروز را نپذیرفت».

پی‌نوشت

* کارشناس مؤسسهٔ خانهٔ کتاب.

۱. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ شعر نازک و پدر و مادرش بنگرید به: الطهرانی، آغابزرگ، ج ۹، بخش اول، ص ۹۶؛ همان، ص ۱۰۹۶؛ و همان ص ۱۱۵۱
۲. برای آگاهی از بنیانگذاری شعر آزاد عرب به زبان فارسی بنگرید به: اسوار، موسی، مقدمه؛ و شفیع کدکنی، ص ۱۳۱ - ۱۳۶.
۳. ترجمهٔ این شعر برگرفته از برگردان استاد شفیع کدکنی از کتاب شعر معاصر عرب است.

منابع مأخذ:

- ۱- اسوار، موسی (۱۳۸۱). از سرود باران تا مزامیر گل سرخ: پیشگامان شعر امروز عرب، تهران: سخن، چ اول.
- ۲- الجمیل، سیار. نسوة و رجال: ذکریات شاهد الرؤیة، جریدة الزمان.
- ۳- شبر، صبیحه. نازک الملائکه: عاشقة اللیل و الطفولة، مجلة دیوان العرب.
- ۴- شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب، تهران: سخن
- ۵- شیاع، محمد. «نازک الملائکه ... قارورة الحزن الشفیف»، مجلة افق
- ۶- فاروق شوشه. نازک الملائکه و اعمالها الكاملة

بر آن سایه افکنده است. مارون عبود، منتقد عرب دربارهٔ این دفتر بر این باور است که هرچه در این دیوان سیر می‌کنی، جز درد و رنج نمی‌بینی و جز ناله و فغان صدایی نمی‌شنوی. دنیای شعری نازک، گرچه غمگین است، این غم نزد او دارای سرشت خاصی است؛ شفاف و نازک. او در شعر «کلمات» می‌گوید: «شکوت الی الریح وحدة قلبی و طول انفرادی/ فجاءت معطرة بأریح لیالی الحصاد/ و ألفت عبیر البنفسج و الورد فوق سهادی/ و مدت شذاها لخدی الکلیل مکان الوساد/ و روت حینی بنجوی غدیر یعنی لواد/ و قالت: لأجلک کان العبیر و لون الوهاد/ و من أجل قلبک وحدک جئت الوجود الجمیل/ ففیم العویل؟/ و صدقتها ثم جاء المساء الطویل/ و ساد السکون عباب الظلام الثقیل/ فسألت لیلی: احق حدیث الریاح؟/ فرد الدجی ساخر القسمات: اصدققتها؟ انها کلمات...!!!»: (برای تنهایی قلبم و درازای تنهایی‌ام شکایتی به باد بردم/ پس درحالی که معطر به بوی خوش شب‌های درو بود، آمد/ و رایحهٔ بنفشه‌ای و گل سرخ را روی بی‌خوابی من افکند/ و جای بالش، رایحه‌اش را روی گونهٔ خستهٔ من پهن کرد/ و اشتیاق مرا با آهنگ برکه‌ای که برای دره نغمه‌سرای می‌کرد، سیراب نمود/ و گفت: رایحه و رنگ دره‌ها به خاطر تو بود/ تنها برای قلب تو، به هستی زیبا آمدم/ پس ناله‌ات برای چیست؟/ او را باور کردم. سپس شب طولانی آمد/ آرامش روی موج تاریکی سنگین سایه افکند/ پس از شیم پرسیدم: آیا سخن باد حقیقت داشت؟/ و تاریکی طعنه‌زنان پاسخ داد: آیا آنها را باور کردی؟ آنها حرف بود...!!!)

انقلاب بر شعر آزاد

نازک بعد از گسترش امواج شعر نو، بر این باور بود که مسیر شعر نو دچار انحراف شده، بدین دلیل تردیدی در هشدار و اخطار دادن نسبت به مسیر شعر آزاد، به خود راه نداد. شاید از همین رو بود که به‌رغم آثار پربارش در شعر، در اوایل دههٔ هفتاد از شعرگفتن دست شست و به نوشتن در مسائل سیاسی روی آورد. وی در مقدمه‌اش بر چاپ اول دفتر «برای نماز و انقلاب»، به شرایط و عواملی که مسیر و راه شعر نو را به دلیل بی‌اهمیت شمردن عروض و زبان عربی و قواعد آن از سوی برخی از شاعران و تحقیر عامدانهٔ میراث، دچار انحراف کرده، اشاره و آن را مورد نقد